

تأثیر نظام مالکیت ارضی بر تحولات علمی و فرهنگی دوره تیموری

فاطمه السادات فیروزی^۱

عبدالرسول عمادی^۲

علیرضا منصوری^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۲

چکیده

شکوفایی علمی و فرهنگی دوره تیموری که گاهی از آن با عنوان رنسانس تیموری یاد می‌شود، نیازمند حمایت‌های اقتصادی بود، و نمی‌توان آن را تنها بر اساس علایق فردی برخی از سلاطین تیموری به علم و دانش تبیین کرد. در مقاله حاضر با رویکرد تاریخ‌نگارانه عقلانیت نقاد توضیح می‌دهیم که نظام اقتصادی و مالیاتی و زمین‌داری دوره تیموری، که نمونه شاخص آن با نام سیورغال شناخته می‌شود، گرچه از طرف حکومت مرکزی متناسب با زیست‌بوم سیاسی و اجتماعی آن دوره و در راستای اهداف اقتصادی و سیاسی حکام اعمال شد، ولی تبعات پیش‌بینی نشده‌ای داشت که یکی از آن‌ها ایجاد زمینه مناسبی برای حمایت از نهادهای علمی و فرهنگی آن دوره بود.

کلیدواژه‌ها: علم دوره تیموری، سیورغال، اقتصاد دوره تیموری، عقلانیت نقاد

^۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف آباد، ایران.

^۲ دکتری تاریخ علم دوره اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۳ دکتری فلسفه علم و فناوری دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

از دوره تیموری در آثار غربی با عنوان دوره رنسانس تیموری یاد می‌شود. درست است که این دوره تحولات فرهنگی زیادی داشته است، ولی نکته جالب اینجاست که این شکوفایی فرهنگی مقارن از هم گسیختگی سیاسی پس از مرگ تیمور است؛ یعنی زمانی که هم کشور حالت ملوک الطوایفی پیدا کرد و هم شاهد رقابت شاهزاده‌ها هستیم. البته وجود مراکز متعدد قدرت می‌تواند مشوق و محرک‌های متنوعی برای تحولات فرهنگی مثبت ایجاد کند، ولی با توجه به جنگ‌های بسیار در نواحی مختلف و هزینه‌های ناشی از آن نمی‌توان تنها تعدد مراکز را تبیین کاملی برای قوام یافتن عناصر فرهنگی در این دوره دانست. همچنین با توجه به هزینه‌های ضروری و نسبتاً زیاد فعالیت‌های فرهنگی و دوام نسبی و نهادینه آن‌ها، به نظر نمی‌رسد بالا بودن سطح سواد فرهنگی برخی از شاهزاده‌های تیموری تبیین کاملی برای حمایت‌های فرهنگی این دوره فراهم کند. پس دلیل این به اصطلاح رنسانس تیموری چه بود؟

هدف مقاله حاضر این است که از منظر اقتصادی به این مسئله نگاه کند. ادعای پژوهش حاضر این است که نظام اقتصادی و مالیاتی و زمین‌داری در زیست‌بوم اجتماعی سیاسی و اقتصادی دوره تیموری، که نمونه شاخص آن با نام سیورغال شناخته می‌شود، ویژگی‌هایی داشت که زمینه مناسبی برای حمایت از نهادهای علمی و فرهنگی آن دوره ایجاد می‌کرد. ما این تحقیق را در یک چارچوب نظری تاریخ‌نگارانه با رویکرد عقلانیت نقاد انجام می‌دهیم که آن را به‌طور خلاصه در بخش اول مقاله معرفی می‌کنیم. پس از آن به شرح و توضیح نظام مالکیت ارضی دوره تیموری و ویژگی‌های حقوقی و اقتصادی آن می‌پردازیم، تا با شناخت موقعیت تاریخی آن نظام اقتصادی سیورغال و تبیین داری در دوره تیموری را برای تحولات علمی و فرهنگی این دوره توضیح دهیم.

تحلیل نهادها با رویکرد عقلانیت نقاد

ما در تحلیل تاریخی حاضر از رویکرد عقلانیت نقاد بهره می‌بریم.^۱ انتخاب این رویکرد در واقع پیش‌فرض ماست و شرح دلایل این انتخاب خود به مقاله و مبحثی مجزا نیاز دارد، اما فی‌الجمله می‌توان گفت این رویکرد راه خود را از تاریخ‌نگاری‌های استقراگرایانه یا قراردادگرایانه یا نسبی‌گرایانه یا تلقی ذات‌گرایانه نسبت به نهادهای اجتماعی جدا می‌کند. رویکرد تاریخ‌نگارانه عقلانیت نقاد در جستجوی پیدا کردن پیوستگی یا گسست در دوره‌های تاریخی نیست؛ این رویکرد در عوض به دنبال

بازسازی عقلانی انواع مختلف حل مسئله در موقعیت‌های تاریخی مختلف، به کمک منطق موقعیت^۲ است؛ باید توجه داشت که این بازسازی یک فرایند ذهنی و روان‌شناختی نیست و حدس و فرضیه^۳ ارزیابی‌شده توسط مورخ باید و قابل نقد و ارزیابی باشد. در این رویکرد هر سند تاریخی، نظیر یک مشاهده علمی، صرفاً در ارتباط با یک مسئله تاریخی سند محسوب می‌شود و نظیر یک مشاهده باید تفسیر شود.^۴

در رویکرد عقلانیت‌نقاد نهادها به مثابه تکنولوژی‌های اجتماعی هستند. تکنولوژی تنها ابزار و وسایل روزمره نیست؛ نهادها و قوانین حقوقی و سازمان‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های اقتصادی مثل تنظیم نظام مالیاتی و تقسیم اراضی و قوانین مربوط به آن همگی از جنس تکنولوژی هستند. این نهادها به این اعتبار که تکنولوژی هستند مانند بسیاری از تکنولوژی‌ها در شمار برساخته‌های انسانی قلمداد می‌شوند؛ شأن ابزاری دارند و هدف از طراحی و ساخت آن‌ها کارآمدی است؛ آن‌ها حساس به زمینه‌اند و تحولی شبه‌داروینی دارند. این برساخته‌ها محصول حیث‌های التفاتی جمعی کنش‌گرانی هستند که دارای حیث التفاتی مشترکند و در شبکه معنایی-مفهومی مرتبط با آن نیز با یکدیگر شریکند. کنش‌گران بر اساس نیازهای مشترک و مسائلی که در زیست‌بوم خود با آن مواجهند با کمک حیث التفاتی مشترک و شبکه معنایی-مفهومی مرتبط با آن تکنولوژی‌هایی را برای پاسخگویی به نیازها و حل مسائل مورد نظر می‌آفرینند. ماهیت نیازهای کنش‌گران با انتظارات آنان از زیست‌بومی که در آن زندگی می‌کنند و ارزش‌هایی که به آن پایبندند و درکی که از واقعیات دارند و نقشه و برنامه و هدفی که در آن دارند ارتباط دارد.^۴

رویکرد عقلانیت‌نقاد نسبت به نهادها و تکنولوژی‌های اجتماعی نگاه ذات‌گرایانه ندارد. در این رویکرد مسئله به این شکل صورتبندی می‌شود که اگر هدف‌های ما فلان و بهمان باشد، آیا این نهاد برای پیشبرد آن‌ها درست طراحی و سازمان داده شده است؟ در مجموع می‌توان گفت رویکرد عقلانیت‌نقاد با نهادها شیوه برخورد عقلانی دارد و آن‌ها را به چشم وسیله‌ای در خدمت بعضی غایات و هدف‌ها می‌نگرد، و توصیه می‌کند که اینگونه نهادها را از نظر شایستگی و تناسب و کارآمدی و سادگی و مانند آن مورد داوری قرار دهیم. با این حال عقل‌گرایان نقاد تأکید دارند که نهادها صرفاً جنبه ابزاری ندارند که صرفاً وسایلی باشند برای وصول به هدف‌ها - از بسیاری جهات مهم، نهاد با ابزار مکانیکی یا ماشین فرق داد - برای نمونه واقعیت بسیار حائز اهمیت این است که نهادها به

شیوه‌ای بسیار مشابه (البته نه کاملاً یکسان) با موجودات زنده به صورت انداموار رشد می‌کنند.^۵ الگوی تحول تکاملی به ما اجازه می‌دهد بدون این که برای تکنولوژی ذاتی قائل شویم یا به آن تجسد بخشیم و برای آن خودمختاری قایل شویم، تحول آن را مستقل از مبدع و مخترع آن توضیح دهیم. به عبارتی از یک سو تکنولوژی برساخته آدمی است و از سوی دیگر به دلیل واقعیت و عینیتی که دارد هویتی مستقل از سازنده پیدا می‌کند؛ یعنی ممکن است توسط افراد دیگر تحول یابد و استفاده‌هایی از آن شود، یا نتایجی به بار آورد، که خارج از مقصود اولیه سازنده آن باشد؛ ممکن است هم خود تغییراتی را در زیست‌بوم ایجاد کنند، هم ساکنان دیگر زیست‌بوم، بر اساس خلاقیت یا با توجه به شرایط متفاوت، تغییراتی در آن دهند، یا اساساً به منظور جدیدی از آن استفاده کنند - به اصطلاح تغییر کاربری دهند - که همه این موارد به نوبه خود موجب تغییرات جدیدی در زیست‌بوم می‌شود.^۶

با توجه به آن چه گفت، ما در مقاله حاضر، به بررسی نهادها و نظام‌های اقتصادی مربوط به مالیات و مالکیت اراضی و قوانین و رویه‌های حاکم بر آن‌ها را در دوره تیموری که با عنوان سیورغال شناخته می‌شود، می‌پردازیم و نقش آن‌ها را در حمایت‌های فرهنگی و علمی آم دوره مورد توجه قرار می‌دهیم؛ در پرتو آموزه‌های عقلانیت‌نقاد درباره تاریخ‌نگاری و تکنولوژی‌های اجتماعی به بررسی وضعیت نهادهای مؤثر در علم دوره تیموری می‌پردازیم. به این منظور ابتدا تلاش می‌کنیم شناختی از زیست‌بومی که این نهادها در آن به وجود آمدند یا تحول پیدا کردند پیدا کنیم - به اصطلاح موقعیت مسئله^۷ را مشخص کنیم - و پس از آن نقش نهادها و تأثیر و تأثر نهادهای مذکور را در این فضا و موقعیت و تبعات آن را در حمایت از نهادهای وابسته به فعالیت‌های علمی و فرهنگی تحلیل می‌کنیم. در قسمت نتیجه تحول و تبعات نظام اقتصادی سیورغال و تیول‌داری در دوره تیموری را به عنوان مصداقی از آن چه در درخصوص چگونگی تحول انداموار و تکاملی و خارج از پیش‌بینی طراحان اصلی نهادها و تکنولوژی‌های اجتماعی گفته شد، معرفی می‌کنیم.

نظام مالکیت ارضی دوره تیموری و تبعات آن

تیمور با پایان دادن به جنگ‌های داخلی و تصاحب سراسر ایران و آسیای صغیر و بین‌النهرین امپراتوری بزرگی ایجاد کرد که وی و جانشینانش جهت تأمین هزینه‌های امپراتوری و معیشت مردم لازم می‌دیدند زراعت و تجارت را توسعه دهند.^۸ تیمور خود به زراعت و توسعه باغات و بستان‌ها و ایجاد نهرها و کانال‌های آب علاقه‌مند بود. یزدی در کتاب ظفرنامه خود بیان می‌دارد:

«از معمار همت آن خاقان کسری چندان آثار، از مدن و امصار و قری و انهار و قلاع و ابواب البر از مساجد و معابد و اربطه و قناطر و سایر عمارات، از قصور و دور و بساتین و باغات و غیر آن در جمیع معموره عالم بازمانده که جز در مطول مستقل به تفصیل شرح آن نتوان داد.»^۹ در سفرنامه کلاویخو نیز آمده است «در آن سوی محال سمرقند، دشت پهناوری گسترده است که در آن دره‌های بسیاری و در آن جمعیت فراوانی خانه دارند و همه آنان که تیمور از سرزمین‌های دوردست آورده است، در این دره‌ها مقرر دارند. سراسر خاک استان سمرقند بسیار حاصلخیز و حاصل گندم آن فراوان است. در آنجا درخت‌های میوه و نیز بوستان‌های پر حاصل بسیار است.»^{۱۰}

در دوره شاهرخ شرایط مساعد اقتصادی قلمرو تیموریان ادامه داشت و شهر هرات که در روزگار مغولان به کلی آسیب دیده بود به دستور شاهرخ مجدداً آباد شد. حافظ ابرو در این باره بیان می‌کند: «حضرت سلطنت شعاری - خلدالله تعالی - در شهر سنه سبع و ثمانیه به عمارت آن اشارت فرموده مرمت باره فصیل و دروب و مقاتل آن به نوعی استحکام یافت که عمارات ماضیه عشر عشر آن نبوده است.»^{۱۱} توجه به عمران آبادانی و احیای زمین‌های کشاورزی تقریباً تا پایان عصر تیموری همچنان ادامه داشت. اسفزاری می‌نویسد: «بر اثر توجهات سلطان حسین بایقرا بسیاری از زمین‌های لم‌یزرع خراسان احیا شد و قنوات و نه‌های زیادی احداث گردید.»^{۱۲} با توجه به این که در این دوره کشاورزی نقش مهمی در اقتصاد ایفا می‌کرد، نظامی برای سامان‌دهی و نظارت بر اراضی و درآمد و مالیات بر آن مورد استفاده قرار می‌گرفت که با عنوان اقطاع و سیورغال شناخته می‌شد.

سیورغال. سیورغال کلمه‌ای مغولی به معنی هدیه است و عبارت بود از مقدار زمینی از یک ایالت یا یک ده که سلطان به فئودال‌های سرسپرده اهدا می‌نمود تا پشت اندر پشت از آن بهره بگیرند. اصطلاح مغولی سیورغال اصلاً به عمل حمایت از سوی حاکم، اقطاع و یا عطیه و هبه اطلاق می‌شد. اصطلاح سیورغامیشی هم در زمان ایلخانان یک چنین مفهوم عمومی داشت^{۱۳} صاحب سیورغال موظف بود برای سلطان خدمت نظامی انجام دهد و برای سپاه فئودالی حکومت مرکزی پیوسته تعداد معینی سوار از سیورغال خود گسیل دارد. صاحب سیورغال در عوض نسبت به ملک مورد نظر حقوقی به دست می‌آورد. او در قلمرو خود حقوق مالک را داشت و از معافیت مالیاتی برخوردار بود و علاوه بر آن حق معافیت قضایی و اداری نیز داشت و مأموران دستگاه مرکزی حق ورود به اراضی سیورغال را نداشتند. مصونیت مالیاتی و قضایی و نیز مصونیت نظامی به صاحب

سیورغال اجازه می‌داد تا تمام مالیات‌هایی را که پیش از این محصلان حکومت مرکزی دریافت می‌کردند، به نفع خود از رعایا وصول کنند^{۱۴}

دلیل استفاده از این نظام اقتصادی را می‌توان در این دانست که قدرت تیموریان بعد از تیمور محدود به منطقه خراسان شده بود و دیگر نیاز آن‌چنانی به وفاداری و اطاعت نخبگان نظامی ترک نداشتند و بیشتر در پی کسب و جذب حمایت نمایندگان عناصر ایرانی جامعه تیموری بخصوص طبقه مذهبی بودند، به همین دلیل واگذاری سیورغال به رشد فزاینده‌ای رسید.^{۱۵} رسم سیورغال همیشه به‌عنوان پاداش سیاسی بکار نمی‌رفت بلکه حاکمان تیموری در برخی موارد از سیورغال به‌عنوان یک اهرم یا عامل بازدارنده در مقابل رقبای سیاسی خود که معمولاً شاهزاده‌هایی بودند که در ایالات فرمانروایی می‌کردند و در امر جانشینی داعیه قدرت و به دست آوردن تاج و تخت را داشتند، استفاده می‌نمودند و یک منطقه جغرافیایی را به‌عنوان تیول به وی واگذار می‌کردند تا شاید از این راه بتوانند جلوی قدرت‌طلبی او را بگیرند.

واگذاری زمین و با اهمیت شدن زمین به‌عنوان پاداش نزد صاحبان قدرت از دوره‌های قبل به صورت اقطاع مطرح بود که نمونه عینی و اوج آن در دوره سلاجقه بود. تحول فزاینده اقطاع در دوره مغول و ایلخانی صورت گرفت که با نوع اقطاع دوره سلجوقی متفاوت بود.^{۱۶} سیورغال هم در واقع شکل تحول یافته نظام‌های قدیمی تر مثل اقطاع و تیول بود، اما تفاوت‌هایی نیز با آن‌ها داشت. تیول پس از مغولان بجای اقطاع نشست و رویه‌های گوناگونی که تا اوایل قرن هشتم در چهارچوب اقطاع متحول شد به‌طور کلی در تیول باقی ماند، از این‌رو تیول بعدها مترادف با اقطاع بود.^{۱۷} تفاوت سیورغال با اقطاع این بود که صاحب موروثی سیورغال گذشته از معافیت مالیاتی که سابقاً صاحبان اقطاع از آن نصیب داشتند، از حق معافیت قضایی و اداری نیز برخوردار بودند و تمام مأموران قلمرو سیورغال از طرف صاحب سیورغال معین می‌شدند و فقط تابع او بودند^{۱۸} منافع صاحب سیورغال نسبت به منافع صاحب اقطاع بیشتر بود. صاحب سیورغال از امتیازاتی مانند ملزم نبودن به واگذاری سرباز به حکومت مرکزی و معافیت از مالیات برخوردار بود و املاک سیورغال گاهی بسیار وسیع مثل ولایات و یا مناطق دیوانی بود و گاهی کوچک و یک روستا را شامل می‌شد و گاهی هم اراضی لم یزرع و بیابانی. روستاییانی که در اراضی سیورغال زیست می‌کردند وابسته به آن بودند و حتی حق

ترک آن را نداشتند و این وضعیت دست کم از زمان ایلخانان یعنی صدور فرمان غازان خان در ۷۰۰هـ.ق برقرار شد.^{۱۹}

موقوفات. از دیگر نظام‌های مالکیت و تقسیم اراضی، املاک موقوفی بود که به نوبه خود باعث انباشت سرمایه نزد صاحبان موقوفات می‌شد. ویژگی املاک وقفی این بود که قابل انتقال و تبدیل به ملک و اراضی دیگر و قابل فروش نبود و نیز اغلب شامل معافیت مالیاتی می‌شد.^{۲۰} شخص وقف کننده با وقف ملک خود آن را از مالیات و تعرض مهاجمان مصون نگاه می‌داشت و در عوض از عواید آن در کارهای عام‌المنفعه استفاده می‌نمود. در واقع مالک می‌توانست با این کار حمایت نهادهای دینی را به دست آورد و با تبدیل املاکش به املاک وقفی و متولی شدن خود از حیطة عملکرد ارگان‌های دولتی و حاکم خارج شود و همین خروج از عملکرد دستگاه‌های دولتی در بیشتر اوقات باعث ایجاد درآمدهایی برای صاحبان موقوفات می‌شد. این آزادی عمل تا حدی بود که آشکارا اعمال قدرت متولی موقوفات در اراضی تحت اختیارش تفاوت اندکی با اعمال قدرت صاحب سیورغال داشت.^{۲۱} در نتیجه می‌توان گفت صاحبان موقوفات همانند صاحبان سیورغال در زمره سرمایه‌داران و قدرتمندان جامعه قرار می‌گرفتند. واقف اختیار آن را داشت که تمام شرایط استفاده از وقف را مشخص کند و خود یا ورثه خود را به عنوان معتمد که متولی نام داشت معرفی نماید.^{۲۲} کسی که تمام دارایی شخصی خود را وقف فامیلی می‌کرد که وقف اهل نامیده می‌شد نه تنها بعد از وقف می‌توانست از عایدات آن استفاده کند بلکه ورثه وی نیز می‌توانستند از آن بهره ببرند و این کار راهی بود برای آنکه دارایی‌های خود را از خطر مصادره توسط حاکم حفظ کند.

معافیت‌های مالیاتی. در کنار معافیت‌های مالیاتی مرتبط با اجاره زمین و موقوفات دینی، امتیاز معافیت شخصی از مالیات و تعهدات که معافی نامیده می‌شد، نیز وجود داشت که می‌توانست فقط به کسی که مالیات پرداخت می‌کند اعطا شود و گیرنده این امتیاز از پرداخت مالیات خاص به خزانه مرکزی و انجام وظایف و تعهدات خاص معاف بود. هرچند این امتیازات شامل اعطای زمین نمی‌شد اما می‌توانست برای یک قطعه زمین که گیرنده قبلاً در اختیار داشت اعمال شود. منشأ این عمل به قرن یازدهم برمی‌گشت که در دوره ترکمانان و تیموریان و صفویان در قرن ۱۶ و ۱۵ م گسترش پیدا کرد و حتی تا قرن ۱۹ ادامه یافت.

نوعی معافیت مالیاتی ساده که منشا آن به زمان ترک‌های قدیم برمی‌گشت و در قرن ۱۵ نیز همچنان مرسوم بود، ترخانی نام داشت که ایالات تحت سیطره مغولان و جانشینان آن‌ها را شامل می‌شد و علاوه بر معافیت کامل از مالیات، امتیازات ورود به حضور حاکم به طور آزاد، حق حفظ همه غنیمت به دست آورده در جنگ و حق شکستن قانون تا نه بار بدون محاکمه را دارا بود.

در نیمه دوم قرن پانزدهم با از بین رفتن همزمان چند سنت ترکی - مغولی به ویژه در مناطقی مانند خراسان، به نظر نمی‌رسد به هیچیک از اعضای نظامی عنوانی اعطا شده باشد و هیچ نشان ترخانی از زمان سلطان حسین بایقرا در دست نیست. اما با پایان قرن پانزدهم و حکومت تیموریان و شروع قرن شانزدهم و فرمانروایی صفویان و ازبکان ترخان به طور فزاینده امتیاز معافیت مالیاتی رایج شد و برای اعضای روحانی و مقامات معنوی مانند سادات و علما و صوفیان اعمال می‌شد. مدارک مستندی وجود دارد که نشان می‌دهد حتی تجار برجسته تحت حاکمیت صفویان و ازبکان نیز صاحب نشان ترخانی شدند در نتیجه اصطلاح ترخان با اصطلاحات ساده معافیت مالیاتی مثل (معافی و مسلمی) مترادف شد.^{۲۳} همچنین باید توجه داشت که معافی و مسلمی نشان دهنده یک معافیت شخصی از مالیات و تعهدات بود که ممکن بود برای زمین نیز اعمال شود اما معمولاً موروثی نبود. با این حال ترخانی مانند معافی و مسلمی نشان دهنده یک مصونیت مالیاتی ساده بود که می‌توانست به شکل موروثی تا نه نسل منتقل شود.

این معافیت‌های مالیاتی شخصی اغلب به بزرگانی چون مذهبیبون و سران نظامی تعلق می‌گرفت و اگذاری معافیت‌های مالیاتی به افراد مذهبی به صورت یک رسم و عرف درآمد و در میان این افراد مذهبی نه فقط مسلمانان بلکه روحانیون مسیحی بخصوص ارمنیان نیز وجود داشتند.^{۲۴} البته در مواردی نیز حکام از معافیت‌های مالیاتی برای موازنه قوای سیاسی اجتماعی و نظامی نیز استفاده می‌کردند. حکمرانان متاخر تیموری با گسترش نظام معافیت‌های مالی بین بهره‌گیری از آن‌ها به عنوان ابزار پیروزی و حفظ ثبات و موازنه در مناسبات پیچیده سیاسی نیمه دوم سده نهم و کاهش سریع عایدات و اقتدار بیوند مطلوبی برقرار کردند. آن‌ها برای تلطیف و خنثی‌سازی قدرت روزافزون امراء ترک صاحب سیورغال که ستون فقرات نظامی دولت را تشکیل می‌دادند و نیز کنترل تشکیلات مذهبی تاجیکان (فارس‌ها) در کسوت ارائه موقوفات از این حربه بهره می‌جستند.^{۲۵}

البته توزیع و تایید مصونیت‌های مالیاتی (شخصی و سیورغال) که تقریباً بدون کنترل در خراسان و ماوراءالنهر تیموری و همچنین در آذربایجان و ایران دوره آق‌قویونلوها در نیمه دوم قرن پانزدهم ادامه می‌یافت، به تدریج منجر به از دست دادن مقدار قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی به خزانه مرکزی هر دو ایالت شد. مصونیت اداری و قضایی سیورغال در این زمان به این معنا بود که این زمین‌ها برای تمام اهداف عملی، خارج از کنترل دولت هستند. صاحبان سیورغال بزرگ^{۲۶}، اغلب دارای استقلال سیاسی بودند که این به نوبه خود باعث تضعیف اقتدار سیاسی دولت مرکزی می‌شد.

حاکمان بعدی تیموری و آق‌قویونلو این روند را ادامه دادند و گسترش نظام مصونیت مالیاتی فرسایش مداوم درآمد و قدرت حکومت مرکزی را به دنبال داشت. در نیمه اول این قرن، حاکمان نیرومند تیموری مانند تیمور و شاهرخ، در صورت نافرمانی اعضای خانواده و فرماندهان نظامی، مالکیت سیورغال را به صورت تعلیق در می‌آوردند و حاکمان بعدی از آن برای خنثی کردن قدرت قابل توجه امیران ترک و نظام مذهبی تاجیک^{۲۷} استفاده می‌کردند. تلاش برای جلوگیری از فروپاشی قدرت مرکزی بوسیله تعلیق یا لغو سیورغال و دیگر معافیت‌ها، در دهه‌های پایانی قرن پانزدهم کم نبود، اما تلاش حاکمان این دوره و اقدامات پروانچه^{۲۸} قدرتمند حسین بایقرا، مجدالدین محمد نتوانست بر ائتلاف امیران قدرتمند ترک و تاجیک (که صاحبان سیورغال و دیگر معافیت‌ها بودند) فائق آید و دقیقاً این شکست عاملی شد برای معکوس کردن روند غیرمتمرکز که یکی از عوامل تضعیف و فروپاشی نهایی تیموریان در این قرن بود.^{۲۹}

برخی از محققین اعطای بی‌رویه سیورغال خصوصاً در دوره سلطان حسین بایقرا^{۳۰}، عاملی در سست شدن پایه‌های مالیاتی سلسله تیموری و اقتدار حکومت مرکزی می‌دانند^{۳۱}. رواج بیش از اندازه نظام سیورغال در این دوره باعث پدید آمدن طبقه جدید از زمینداران شد. پیامدهای این نظام از یک سو با افزایش قدرت و افزایش سرمایه مالکان و از سوی دیگر کاهش قدرت و جذب سرمایه در حکومت مرکزی رخ نمود. در واقع در این شرایط می‌بایست روشی اتخاذ شود که به نوعی درآمدهای از دست رفته خزانه مرکزی را جبران نماید و این روش همان دریافت انواع مالیات‌ها بود که معمولاً به اقشار پایین جامعه تحمیل می‌شد.

در زمان خلافت چند سده‌ای عباسیان معمول بود که نظام مالیات‌گیری بر اساس شریعت اسلامی باشد و چهار مالیات برجسته و مشخص یعنی خراج (مالیات ارضی و محصولات کشاورزی)،

عشر(یک دهم)، زکات و جزیه (مالیات غیر مسلمانان) وجود داشت. در سالهای نخستین سلطنت ایلخانان مالیات قیچور^{۳۲} بجای خراج بوجود آمد؛ تمغاً^{۳۳} هم جای زکات را گرفت^{۳۴}. اصلاحات مالیاتی که در دوره غازان خان صورت گرفت تقریباً به همان شکل به دوره تیموری انتقال پیدا کرد و در این دوره مالیات‌های بسیاری بوجود آمد که معمولاً بر دوش اقشار پایین جامعه بود. همانطور که اشاره شد حکومت مرکزی تیموری برای مرتفع ساختن مشکلات مالی دست به اخذ مالیات‌های گوناگون زد که در اواخر قرن نهم بر مالیات‌های معمول، مالیات‌های دیگری هم، مثل باج، خراج، مالیات باغ‌شمار، سرشمار و ... اضافه شد^{۳۵}. در واقع می‌توان گفت رشد و شکل‌گیری این میزان از انواع مالیات متعارف و نامتعارف در دوره تیموری و علی‌الخصوص در دوره پادشاهی سلطان حسین بایقرا که فشار آن مستقیماً بر دوش اقشار متوسط و پایین جامعه بود، چیزی نبود جز نتیجه و عواقب نظام مالکیت ارضی مثل سیورغال و موقوفات و رشد انواع مصنویت‌ها و معافیت‌های مالی که در این دوره برای سرمایه‌داران، زمینداران، اشراف نظامی و خانواده سلطنتی در نظر گرفته شد.

تبعات نظام مالکیت ارضی بر تحولات فرهنگی دوره تیموری

هر چند نظام مالکیت ارضی در نهایت موجب تضعیف سیاسی حکومت مرکزی شد ولی نتایج مثبتی برای تحولات فرهنگی داشت. این نظام در واقع با پشتیبانی صاحبان سرمایه و شاهزادگان و امیران بستری فراهم کرد برای رشد علمی و فرهنگی و نهادهای علمی و آموزشی، همچنین معرفی هنرمندان و دانشمندان بزرگی به دنیای آن روز که تا قرن‌ها بعد هنوز آوازه‌ای بلند داشتند.

هدایت درآمدهای مالیاتی خراسان به صاحبان سیورغال و بهره‌مندی از انواع گوناگونی از مصنویت‌های مالیاتی بجای رفتن به خزانه مرکزی تیموری، منجر به ایجاد شرایط مطلوب برای حمایت گسترده از فعالیت‌های فرهنگی در زمان سلطان حسین بایقرا شد. اگرچه برخی از صاحبان سیورغال درآمد حاصل از زمین‌هایشان را به بهبود محصولات کشاورزی، امر تجارت یا امور شخصی خودشان مثل کاخ‌ها و باغ‌ها و شکار اختصاص داده بودند اما شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد بسیاری از آن‌ها در حمایت از فعالیت‌های فرهنگی مثل ساخت بناهای معماری و حمایت از دانشمندان، شاعران، هنرمندان و موسیقی‌دانان نیز مشارکت داشتند. در واقع همان‌طور که تعداد دریافت‌کنندگان مصنویت‌های مالیاتی و صاحبان سیورغال افزایش پیدا می‌کرد، به همین شکل تعداد حامیان فعالیت‌های فرهنگی نیز بیشتر می‌شد.

به علاوه در دوره سلطان حسین بایقرا شاهد رشد نوع دیگری از معافیت‌های مالیاتی یعنی وقف نیز هستیم. به همین دلیل حسین بایقرا به جای یک نفر، چند نفر را به عنوان صدر گماشت تا مسئولیت نظارت بر این امور وقفی را بر عهده گیرند. وقف در واقع راهی بود که تیموریان برای جلب حمایت نهادهای دینی انجام می‌دادند، خصوصاً این که تیموریان برای حمایت از برخی فرق مذهبی مثل نقشبندیه و نهادهای دینی وابسته به آن‌ها انگیزه‌های سیاسی نیز داشتند.^{۳۶} درآمدهای اوقاف گاهی بیش از حد نیاز این نهادهای مذهبی بود و مانند مازاد بودجه ای بود که حاصل می‌شد و برای همین در اختیار گردانندگان این نهادها قرار می‌گرفت تا بنا به صلاح دید خود آن را خرج کنند.

یکی از نمونه‌های جالب و مستند تبدیل دارایی شخصی به وقف در نیمه دوم قرن ۱۵ مربوط به وقف دارایی‌های شیخ نقشبندیه در سمرقند یعنی عبیدالله احرار بود. وی با این کار در واقع هم اموالش را از خطر تصاحب و توقیف و مصادره در دوره نامنی و تغییر حکام حفظ می‌کرد و هم نزد قاطبه مردم امری پسندیده و نیکخواهانه تلقی می‌شد. اموال خود سلطان حسین بایقرا به عنوان اموال خصوصی (اموال خالصه) و مستغلات (درآمد روستاها و تولید غله) ثبت شده که او آن‌ها را تبدیل به وقف کرد و خودش به عنوان متولی به طور مداوم از درآمد آرامش بخش آن سود می‌برد.^{۳۷}

در دوره سلطان حسین بایقرا یک فرد می‌توانست به طور همزمان انواع مختلفی از مصونیت را در اختیار داشته باشد به طور مثال شاعر معروف فارسی زبان و عارف نقشبندی، عبدالرحمن جامی صاحب امتیاز ترخانی و سیورغال بود و علاوه بر آن از پرداخت عشر و خراج آزاد بود و به او مصونیت از همه مالیات‌های شخصی (معافی و مسلمی) برای همه عمرش اعطا شد. این امتیاز آخر توسط سلطان حسین بایقرا زمانی اعطا شده که او درخواست نمود برای رفتن به سفر مکه دو سال از پرداخت مالیات معاف شود.^{۳۸} به غیر عبدالرحمن جامی افراد دیگری مثل امیرعلیشیرنوایی، شیخ احمد سهیلی و ... که از علم و هنر و فرهنگ حمایت می‌کردند، همگی از سیورغال داران و زمینداران بزرگ محسوب می‌شدند.

باید توجه داشت در دوره‌ای که هنر و دانش و فرهنگ مانند علوم امروز نتایج کاربردی نداشت، رشد و رونق آن بسیار وابسته به حمایت‌های حکومتی بود، به همین دلیل است که اکثر قریب به اتفاق مسجدها، مدرسه‌ها، کتابخانه‌ها و موسسات عام‌المنفعه و وقفی به دستور حاکمان و صاحب‌منصبان ساخته می‌شد و یا از حمایت مالی آن‌ها برخوردار بود.^{۳۹} همه این نهادها و فناوری‌های اجتماعی، یعنی

سیورغال، موقوفات و نظام معافیت‌های مالی باعث شکل‌گیری طبقه‌ای از سرمایه‌داران بزرگ می‌شد که می‌توانستند با انگیزه‌های مختلف از ثروت و مکتب خود در راه رشد و تعالی علم و فرهنگ این دوره استفاده نمایند و لقب حامیان علم و هنر را دریافت کنند. در این عصر مدارس، خانقاه‌ها و موسسات آموزشی زیادی به دست سلاطین، امیران و وزیران تیموری ساخته شد که هرکدام در پرتو پشتیبانی موقوفات و حمایت‌های بی‌دریغ مادی و معنوی این بزرگان از اساتید و دانش‌پژوهان بوده است. از آن جمله می‌توان از مدارس غیاثیه، امیرچخماقی، گوهرشادخاتون، مدرسه شاهرخ، مدرسه اخلاصیه، سبزدامان، بدیعیه، مزار خواجه عبدالله انصاری، مدرسه و کتابخانه نوایی، کمال الدین بهزاد هروی و ده‌ها مدرسه و خانقاه دیگر نام برد.^{۴۰} برخی از منابع در شرح حالی که از ۲۷۴ نویسنده و شاعر این دوره ارائه می‌نمایند خاطر نشان می‌کنند که ۲۱۱ نفر از آن‌ها از پشتیبانی مالی دربار برخوردار بودند.^{۴۱} در کتابخانه سلطان حسین بایقرا کسانی مثل بهزاد، سلطان علی مشهدی و میرک نقاش کار می‌کردند که همه از حمایت مالی این شاه تیموری برخوردار بودند.^{۴۲} نخجوانی که بخشی از کتاب خود را صرف بیان تواریخ ساخت بناها و اماکن متبرکه کرده است به ساخت مدارس در هرات در دوره سلطان حسین بایقرا اشاره می‌کند و در سال ۸۹۸ ه.ق از ساخت مدرسه‌ای بنام سلطان حسین بایقرا و در سال ۸۹۱ ه.ق از افتتاح مدرسه دیگری توسط وزیر صاحب نام وی امیرعلیشیر نوایی سخن می‌گوید که این امر نشان از صرف هزینه زیاد توسط تیموریان و وزراء آن‌ها در بعد فرهنگی می‌باشد.^{۴۳} قزوینی در کتاب لب‌التواریخ خود ذکر می‌کند که در زمان سلطان حسین بایقرا هزار ملا و طالب علم در شهر هرات جمع شده بودند و امرار معاش آن‌ها از انعامات پادشاه بود.^{۴۴}

حمایت و توجه به علم و فرهنگ و هنر خصوصاً از جانب خانواده‌های ایرانی که از نخبگان اداری و مذهبی بودند دارای یک سابقه و سنت طولانی در قرون وسطی ایران و آسیای مرکزی بود. در دوره مغول این مسئله تبدیل بر نخبگان نظامی چادرنشین ترکی - مغولی که کنترل سیاسی ایران و آسیای مرکزی را از قرن یازدهم به بعد در دست داشتند تأثیر گذاشت. در واقع می‌توان حدس زد وضعیتی شبیه وضعیت غلبه رومیان بر یونانیان در آغاز سده‌های میانه رخ داد. در حالی که روم از جنبه نظامی و سیاسی بر یونانیان غلبه یافت، یونان از جنبه هنری و عقلانی بر روم چیره شد.^{۴۵} در این جا نیز وقتی قدرت و رفاه مغولان افزایش یافت، طبقه نخبه و نظامی آنان به فرهنگ و ادبیات و سیاست و هنر ایرانیان پی‌بردند و طبقات نخبه آن‌ها آرزو داشت که به این قبیل فرهیختگی‌ها دست یابد. این امر باعث شد که این نخبگان نظامی مغول جذب فرهنگ ایرانی اسلامی شوند، البته بدون اینکه لزوماً

سنت‌ها و آرمان‌های خودشان را به طور کامل رها کنند. تحت این شرایط می‌توان گفت حمایت‌های فرهنگی بخصوص در شکل نمایانش مثل ساخت بنا هم با انگیزه دست‌یابی به مراتب فرهیختگی صورت می‌گرفت و هم دارای انگیزه‌های سیاسی بود زیرا نقش مهمی برای مشروعیت بخشیدن به این نخبگان نظامی داشت که تیموریان نمونه‌ای از آن‌ها بودند. بنابراین رونق علم و دانش در دوره تیموری تا حد زیادی نتیجه حمایت‌های حاکمان، امراء زمینداران و سیورغال‌دارانی بود که در سایه ثروت و امتیازاتی که دولت تیموری در اختیار آن‌ها قرار داده بود به حمایت از عالمان و دانشمندان و ساخت بناهای عام‌المنفعه روی آورده و به این وسیله چهره‌های برجسته علمی و هنری به دنیای آن روز معرفی شدند.

در این‌جا به‌عنوان نمونه به افراد با نفوذی در این دوره اشاره می‌کنیم که از طریق بهره‌بندی از این نظام اقتصادی اقدامات مؤثری در جهت حمایت از دانش و فرهنگ انجام دادند.

امیرعلیشیر نوایی: را از برجسته‌ترین و بانفوذترین حامیان دانش و هنر و فرهنگ در این دوره می‌توان دانست که شاعری از خاندان ایغوربخشی بود و با این‌که به نظام اشرافی موروثی تعلق نداشت، خانواده وی از زمان تیمور به ویژه عمرشیرخ جد بزرگ حسین بایقرا در خدمت خاندان تیموری بودند.^{۴۶} علیشیر موفق شد به رتبه امیری دیوان عالی دست پیدا کند و به وسیله سلطان حسین بایقرا به یک مقام منحصر به فرد در دربار سلطان تیموری به‌عنوان مقرب رسید. با در نظر گرفتن طول خدمت خانواده اش به خاندان تیموری، امیرعلیشیر قطعا زمین و امتیازاتی از خانواده‌اش به ارث برده است. اگرچه هیچ یک از دانشنامه‌های سیورغال نامش را به روشنی برده‌اند اما ارجاعات متعددی در منابع حقیقی وجود دارد که نشان می‌دهد امیرعلیشیر امتیاز زمین از حسین بایقرا دریافت کرده است. او صاحب معنای مستقلی از مقام و قدرت بود که فقط می‌توانسته از زمینداری سیورغال مشتق شود.^{۴۷}

امیرعلیشیر درباره مجتمع آموزشی اخلاصیه^{۴۸} که در شمال هرات ساخته شد می‌گوید حسین بایقرا به او قطعه زمین بزرگی در جوی انجیل اهدا کرد و آن در بخشی از مجتمع آموزشی معروفش که شامل مدرسه، مسجد، دارالقرآن، خندق، بیمارستان، حمام و محل اقامت خصوصی بنام انسیه بود، قرار داشت که همه آن‌ها را وقف نموده و خود به‌عنوان متولی آن باقی مانده است.^{۴۹} در مقدمه مجالس‌النفائس او یک لیست طولانی از دارایی‌های خود را که وقف نموده است بر می‌شمرد که شامل زمین‌های زیر کشت، باغ‌ها، کانال‌های آبیاری که در اطراف هرات و خراسان قرار گرفته بود، مغازه‌ها،

انبارها و... می‌باشد. امیرعلیشیر به صراحت بیان می‌کند که همه این‌ها در مالکیت خصوصی‌اش بوده است.^{۵۰} نویسنده تاریخ رشیدی درآمد روزانه علیشیر از املاکش را ۱۸۰۰۰ شاهرخی تخمین می‌زند که علاوه بر این او ملازمین، ضربخانه، اصطبل‌ها و همه کارگاه‌های سلطنتی (بیوتات) را تحت کنترل خود داشته است.^{۵۱} دولت‌شاه درباره اموال و دارایی‌های امیر علیشیر بیان می‌کند:

" از خالص اموالش (امیرعلیشیر) که در راه خدا به رغبم ریا و هوا در این ممالک بر مدارس و مساجد و رباطات و بقاع خیر و دارالشفاء خرج و صرف کرده و اوقافی که بر آن بقاع مقرر نموده تخمیناً پانصد تومان رایج کپکی^{۵۲} (پنج میلیون دینار کپکی) بوده ". دولت‌شاه سمرقندی معتقد است امیرعلیشیر به منظور جلوگیری از هدر رفتن ثروت توسط وارثان، درآمد خود را صرف ساخت ساختمان‌های متعدد و آثار عمومی در سراسر خراسان کرد.^{۵۳}

ثروت هنگفت و سخاوت امیرعلیشیر در دوره‌های بعدی ضرب المثل شد. او بار مالیاتی مردم را به عهده می‌گرفت و روزانه ۷۵ هزار دینار پول وارد خزانه سلطان حسین بایقرا می‌کرد، از دیباچه موقوفات امیرعلیشیر که ترجمه آن در مقدمه مجالس‌النفائس چاپ شده است، می‌توان دریافت که وی مزارع فراوانی داشته و از درآمد آن، دارایی در خور توجهی اندوخته بود وی در هرات زمین و باغ و دکاکین زیادی داشت که درآمد آن را در جهت رشد علم و دانش صرف می‌نمود.^{۵۴} عقیلی در کتاب آثارالوزراء خود نیز می‌نویسد: " آثار خیر بر او زیاده است هزار و یک بنای خیر در یک روز و یک ساعت ساخته است و اکثر آن ابنیه را محرر این سطور به نظر درآورده است"^{۵۵}. ۳۷۰ مسجد، مدرسه و بقاع متبرک که در سراسر خراسان توسط امیرعلیشیر ساخته و یا بازسازی شده بود همه از منابع خصوصی خود او تأمین می‌شد و اگرچه هزینه اصلی کار به لطف تعهد بیگار بود. بسیاری از خوشنویسان بی همتا، خوانندگان، موسیقی دانان، نقاشان، طلاکاران، هنرمندان، نویسندگان و شاعران کارشان تحت حمایت او رونق گرفت.^{۵۶} درباره هنرمندان و صنعتگران بسیار سخاوتمند بود و در طول بازسازی مسجد جامع هرات او در فواصل معین برای کارگران مشغول به کار در بازسازی گنبد اصلی، لباس‌های زیبا، سرگرمی و خدمات دیگر فراهم می‌کرد که به گفته خواندمیر این امر به سرعت تکمیل پروژه کمک می‌کرد.^{۵۷}

عبدالرحمن جامی^{۵۸}: جامی بدون شک یکی از شخصیت‌های پرآوازه قرن نهم هجری است.

او در سال ۸۱۷ ه.ق در قصبه خرچرد از توابع جام متولد شد. پدرش احمد دشتی و نیای او شمس‌الدین

محمد دشتی از مشاهیر علم و تقوی بوده‌اند.^{۵۹} وی یک شخصیت با نفوذ نزد سلطان بود که برای برخی از طالبان علم که از نظر علمی وضع خوبی نداشتند، مستمری و مدد معاش درخواست می‌کرد.^{۶۰} با در اختیار داشتن مقدار قابل توجهی زمین در هرات و مناطق اطراف آن همراه با مصونیت مالیاتی گسترده و دریافت هدایای سخاوتمندانه و نقدی از دوست نزدیک و صمیمی‌اش علیشیر، درآمد سالانه جامی را طبق آنچه در شرح حالش عبدالواسع نظامی آورده می‌توان ۱۰۰۰۰۰ دینار کپکی تخمین زد. از جمله فعالیت‌های عمرانی جامی برای ارتقا دانش و فرهنگ در این زمان ساخت مدرسه جامی هرات بود. او به دلیل اعتقاداتش تمایلی به تجملات نداشت و همه سرمایه خود را صرف ساختن مسجد و مدرسه و خانقاه، تأمین رفاه شاگردان، کمک به نیازمندان و رفع نیاز خانقاه‌ها می‌کرد.^{۶۱}

شیخ احمد سهیلی: نیز از دیگر از حامیان زمان سلطان حسین بایقرا امیرنظام الدین شیخ احمد سهیلی بود که معروف بود به شیخ سهیلی و از نخبگان نظامی ترک محسوب می‌شد و از خاندان برجسته جغتای بود که این خاندان عضو امرای در خدمت تیمور و پسرش شاهرخ بودند.^{۶۲} شیخ سهیلی از دوستان نزدیک و صمیمی امیرعلیشیر و مقرب سلطان بود که حافظ مهر بزرگ به درخواست امیرعلیشیر شد.^{۶۳} او از حامیان واعظ کاشفی بود و اثر معروفش بنام انوار سهیلی را به نام او نوشت.^{۶۴}

شجاع الدین محمد برندق^{۶۵}: شجاع الدین محمد سازنده کاروانسرای قوش در شمال هرات در مسیر کاروان هرات - مرو بود و علاوه بر این کاروانسرا موقوفات دیگری ایجاد کرد از جمله آرامگاه عبدالله انصاری در گازرگاه و یک مدرسه در منطقه چیچیکتو.^{۶۶} ^{۶۷}

کتیبه‌ای در معبد گازرگاه وجود دارد که اموال بسیار شجاع الدین محمد در سراسر خراسان از جمله زمین‌های زیرکشت، باغ‌ها، کانال‌های آبیاری، آسیاب و مغازه‌ها و... را برشمرده است. برنارد اوکان براین عقیده است که قوش رباط در مرکز یک شهرک کشاورزی قرار داشت.^{۶۸} املاک و دارایی‌های برندق که شاید در اصل یک سیورغال بوده برای ساخت کاروانسرا وقف شد.

خواجه قوام الدین خوافی: یک حامی برجسته تیموری از حوزه تاجیک خواجه قوام الدین نظام الملک خوافی بود که حسین بایقرا او را به‌عنوان وزیر امور مالی خود منصوب کرد.^{۶۹} خواندمیر می‌گوید بیشتر فضلا و اهل قلم در دربار خواجه قوام الدین حاضر بودند.^{۷۰} و در آنجا معین الدین اسفزاری خودش را وقف نوشتن کتاب تاریخ هرات بنام روضه الجنان فی اوصاف مدینه هرات کرد. او سازنده مسجد جامعی در مقبره خواجه ابوالولید در آزادان منطقه ای بیرون شهر هرات بود که خود او و

پسرانش متولیان این مقبره محسوب می‌شدند. مصونیت مالیاتی (مسلمیات) در میان میراث او ذکر گردیده است.^{۷۱}

خواجه مجدالدین محمد^{۷۲}: خواجه مجدالدین از حامیان تیموری از قلمرو تاجیک و پروانچی منصوب شده توسط حسین بایقرا بود که قدرت نامحدودی برای یک دوره کوتاه بدست آورد که شروعش از ۸۹۲ ه / ۱۴۸۷ م بود.^{۷۳} اگرچه هیچ منبع رسمی که نشان‌دهنده آن که مجدالدین صاحب سیورغال باشد وجود ندارد اما خواندمیر گزارشی از ثروت شخصی او زمانی که اموالش توسط حسین بایقرا مصادره شد ارائه می‌دهد مانند: مقدار زیادی طلا و جواهرات، کتاب‌های کمیاب، اجناس با کیفیت، سنگ پادزهر بزرگوهی، کشتی، ظروف چینی، فرش ابریشم، خیمه‌های قلاب‌دوزی شده چندرنگ که هیچ‌کس حتی یک دهم آن‌ها نمی‌تواند تصور کند.^{۷۴}

افراط‌گری مجدالدین محمد در برپایی مجالس سرگرم‌کننده ادبی معروف بود. یکی از این مجالس که توسط او در هرات برپا شده به اعتراف خود او هزینه آن حدود ۱۰۰۰۰۰۰ تانگاش تخمین زده شده است. مهمانان این ضیافت همه از بزرگان و برجستگان هرات و شعرایی از جمله بینایی، آصفی، سهیلی، سیفی نجاری، نوایی و همه خوانندگان و موسیقی دانان و رقاصان برجسته هرات بوده اند.^{۷۵}

خواجه افضل‌الدین محمد^{۷۶} سازنده مدرسه‌ای نزدیک به معبد گازرگاه و خندقی بیرون دروازه عراق هرات^{۷۷} نیز یک سیورغال از حسین بایقرا دریافت کرد که در کتیبه وقف ذکر شده که آن برای حمایت از این مجموعه توسط خواجه افضل‌الدین وقف گردیده است.^{۷۸}

خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروی: از دیگر افرادی بود که سهم عمده‌ای از حمایت فرهنگی هرات در زمان سلطان حسین بایقرا داشت. او نویسنده مجموعه شرف نامه بود و شاعر(بینایی تخلص می‌کرد) نوازنده و خطاط نیز بود.^{۷۹} پدرش شمس‌الدین محمد از اشراف و نجبای کرمان بود و وزرات ابوسعید و حسین بایقرا را بر عهده داشت. حسین بایقرا او را به سمت پرمفعت متولی موقوفات معبد محبوب تیموری در هرات، مقبره خواجه عبدالله انصاری منصوب کرد که در طول زمان تصدیش بارها ترمیم و بازسازی شد^{۸۰} شهاب‌الدین در ایام جوانی به مقام محتسب و صدر ارشد حسین بایقرا برای مدتی رسید و پس از او عضو محافظان شخصی بایقرا (ایچکی) و مقرب سلطان شد.^{۸۱} او همچنین به مقام پروانچی رسید و پس از آن به مقامی بالاتر از دایره امیران بزرگ منصوب شده که مهر سلطنتی را نگهداری می‌کرد^{۸۲}. شهاب‌الدین بخاطر شب نشینی ادبی با حضور شاعران معروف بود.^{۸۳}

نتیجه

چنان که گفتیم در رویکرد عقلانیت نقاد نظام‌های اقتصادی را می‌توان از جنس تکنولوژی‌های اجتماعی دانست. تکنولوژی‌های اجتماعی مثل همه تکنولوژی‌های دیگر از بر ساخته‌های انسانی هستند که به منظور تحقق اهداف و کارکردهایی طراحی می‌شوند و به شدت حساس به زمینه و شرایط زیست‌بومی هستند که در آن ابداع می‌شوند و بر اساس آن شرایط تحولی دارویی دارند و ممکن است به نتایج و تبعاتی منجر شوند که در ذهن واضعان و مبدعان اولیه نمی‌گنجیده است. نظام اقتصادی مالکیت ارضی سیورغال و ضمائم معافیت‌های مالیاتی آن نیز بر همین قاعده قابل تحلیل است. چنان که گفتیم از ویژگی‌های اساسی دولت تیموری نظام زمین‌داری بود و آن‌ها برای اداره آن و با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم از نظام مالکیت ارضی سیورغال و معافیت‌های مالیاتی بهره‌بردند تا هم مقاصد اقتصادی و هم موازنه‌های سیاسی را با آن تحقق بخشند. نخستین بهره‌گیران این نظام، شاهزادگان و امیران فرماندهان والای نظامی و روسای ایلات بودند. اما این نظام در این زیست‌بوم به تدریج باعث کاهش درآمد خزانه و اقتدار حکومت مرکزی و پیدا شدن طبقه مالک و اشراف شد. همچنین تبعات پیش‌بینی نشده دیگری برای نهادهای علمی و فرهنگی شد. در واقع افزایش فوق‌العاده فعالیت فرهنگی و هنری را که در ربع آخر قرن پانزدهم در خراسان تیموری و در طول مدت حکومت سلطان حسین بایقرا رخ داد، می‌توان تا حدود زیادی نتیجه مستقیم گسترش نظام اعطای سیورغال و دیگر مصونیت‌های مالی دانست که اگرچه ریشه در الگوی زمین‌داری و مالیاتی دوره‌های قبل داشت اما در این دوره و بخصوص در نیمه دوم قرن به حد اعلای تکامل خود در شرایط پراکنده سیاسی ایران و آسیای مرکزی رسید.

بنابراین از یک طرف عدم تمرکز مالی در این نظام اقتصادی تأثیر منفی بر خزانه مرکزی دولت تیموری داشت و قدرت سیاسی را تحلیل می‌برد اما از سوی دیگر برای گسترش حمایت فرهنگی بوسیله توزیع مجدد ثروت مالی در قالب درآمدهای مالیاتی از خزانه دولت به عناصر مختلف ترک و تاجیک جامعه تیموری، به خدمت درآمد. اگرچه انگیزه‌های فردی و تلاش برای کسب مشروعیت سیاسی به پشتیبانی گسترده از هنر و معماری و شعر و... کمک کرد، اما در قدم اول تحقق آن‌ها بدون وجود منابعی اقتصادی برای حمایت و گسترش فعالیت‌های فرهنگی میسر نبود؛ مجموعه آن عوامل فردی و سیاسی به همراه زمینه اقتصادی مناسبی که به وجود آمد، این دوره را به یکی از سازنده‌ترین دوره‌ها در تاریخ فرهنگ اسلام قرون وسطی تبدیل کرد.

پی نوشت ها

^۱ برای بسط تاریخ‌نگاری عقلانیت‌نقاد رک به: Agassi, J. 2008, Science and its History: *Towards an historiography of Science*, Springer و فصل ۷ از پوپر کارل، (۱۳۷۹) *اسطوره چارچوب: در دفاع از علم و عقلانیت*، ترجمه علی پایا، تهران: طرح نو.

^۲ منطق موقعیت یا *situational logic* عبارت است از شناخت و بازسازی عینی حال و شرایط حاکم بر هر مسئله در هر رویداد تاریخی. این شناخت حدسی است و به کمک اصل عقلانیت صورت می‌گیرد و قابل نقد و ارزیابی و اصلاح است.

^۳ رک به پوپر، همان، ۲۷۶-۲۷۹

^۴ پایا، علی، «تکنولوژی دینی: چیستی و امکان تحقق»، *نشریه روش‌شناسی علوم انسانی*، سال هجدهم شماره ۳۷، زمستان، ۱۳۹۱، ص ۹۱

^۵ پوپر، کارل (۱۳۸۰)، *جامعه باز و دشمنان آن*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: خوارزمی، ۵۰-۵۴

^۶ آشیانه‌ای که توسط یک فاخته ساخته و رها شده است، موجودی دیگر ممکن است اشغال کند و تغییراتی در آن دهد؛ راهی که انسان در میان جنگل می‌سازد، زیست‌بوم منطقه را تغییر می‌دهد؛ اختراع اتومبیل وقتی در ظرف روابط اجتماعی قرار می‌گیرد، منجر به ابداع نهاد "راهنمایی و رانندگی" و قوانین مربوط به آن می‌شود، که مخترع یا مخترعان اولیه اتومبیل تصور آن را نیز نمی‌کردند؛ نهاد پلیس هم می‌تواند برای سرکوب و هم برای امنیت استفاده شود.

^۷ Problem Situation

^۸ میرجعفری، حسین (۱۳۸۵)، *تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، تهران: سمت، ص ۲۱۸.

^۹ یزدی، مولانا شرف الدین علی (۱۳۳۶)، *ظفرنامه یزدی*، ج ۲، به اهتمام محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ص ۵۲۱.

^{۱۰} کلاویخو (۱۳۶۶)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۸۴

^{۱۱} حافظ ابرو، (۱۳۷۰)، شهاب الدین عبدالله، *جغرافیای تاریخی خراسان*، تصحیح غلامرضا ورهرا، تهران: اطلاعات، ص ۱۱.

^{۱۲} اسفزاری، معین الدین (۱۳۳۸)، *روضات الجنات*، ج ۲، تصحیح سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران، ص ۳۷۵ و ۳۷۴.

^{۱۳} رویمر و دیگران (۱۳۷۹)، *تاریخ ایران کمبریج*، دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، ص ۲۲۲.

^{۱۴} فشاهی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *از گات ها تا مشروطیت*، تهران: گوتنبرگ ص. ۱۶۲ و رویمر و دیگران، همان، ۲۲۸.

^{۱۵} سابتلنی، ماریا (۱۳۸۴)، *فرهنگ دوستی و هنرپروری تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی ص ۱۸۴.

^{۱۶} در این دوره اقطاع دار رئیس یک واحد نظامی و فرمانده نیرویی از هزار تا ده هزار نفر بود و اقطاع مقطع موروثی بود و اقطاع دار برای مطیع ساختن امرای تابع خود، می توانست بخشی از اقطاع خود را به عنوان تیول به آن ها واگذار نماید (رفیعی، امیر تیمور «سیورغال در عهد ایلخانی و تیموری» *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ*، سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۸، ص ۵۰ و ۴۹).

^{۱۷} تیول معمولاً موروثی نبود و در ازای ارائه بعضی خدمات واگذار می شد و به نوعی نشان دهنده روش معمولی پرداخت حقوق در ازای کاری بود. از جنبه های بنیادی تیول واگذاری مالیات محصول یک منطقه خاص و یا پاره ای از این محصول بود. (فراگتر، برت (۱۳۸۷)، *اوضاع اجتماعی - اقتصادی داخلی در تاریخ ایران دوره تیموری*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، ص ۲۳۰).

^{۱۸} پیکولوسکایا و دیگران (۱۳۴۹)، *تاریخ ایران از آغاز تا سده هجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: موسسه تحقیقات اجتماعی ص ۴۷۹.

^{۱۹} سابتلنی، همان، ۱۸۲.

^{۲۰} فراگتر، برت، ه. مان، ص ۲۳۶ و ۲۲۹.

^{۲۱} همان، ۲۳۶.

²² Subtelny, Maria Eva, 1988, "Socioeconomic Bases of Cultural Patronage Under the Later Timurids", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 20, No. 4, pp. 479-505 p 482

²³ Subtelny, ibid : 483

^{۲۴} سابتلنی، همان، ۲۲۹.

^{۲۵} همان، ۲۲۹ و ۱۹۶.

^{۲۶} سیورغال های بزرگ در دست اعضای خانواده درجه یک شاهزاده و یا اعضای نخبگان نظامی ترک که هسته اصلی تأمین نیروی نظامی بودند، قرار داشت.

۲۷ اوقاف در اختیار گروه تاجیک قرار داشت و حاکمان تیموری برای حفظ جمعیت ایرانی تحت کنترل خود از آن استفاده می‌کردند و همچنین از آن به‌عنوان اهرمی برای موازنه قدرت در مقابل نخبگان نظامی ترک بهره می‌بردند.

۲۸ مهرداد مهر سلطنتی.

29 Subtelny, *ibid*: 485

۳۰ سیورغالات در این دوره افزایش چشمگیری پیدا کرد.

۳۱ فوربزمنز، بئاتریس (۱۳۹۰)، *قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری*، ترجمه جواد عباسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۳۷.

۳۲ مالیات گله بود که یکی از مالیات‌های ظالمانه و تحمیلی بر جمعیت یکجانشین بود.

۳۳ مجموعه‌ای از مالیات‌ها بود که از تجارت و صنعت گرفته می‌شد و از نظر روحانیون شرعی نبود.

۳۴ فراگتر، همان، ۲۴۹.

۳۵ برای نمونه این مالیات‌ها تحت عناوین زیر اخذ می‌شدند:

- باج باج مالیاتی بود که از سرزمین‌های متفرقه گرفته می‌شد و همچنین پولی که راهداران از مسافران و تجار می‌گرفتند (جامی، نورالدین (۱۳۶۱)، *عبدالرحمان، هفت اورنگ*، تصحیح آقا مرتضی گیلانی، تهران: سعدی، ص ۳۵ و ۳۶).
- مالیات ارضی (خراج) که سه دهم تا چهار دهم محصول را شامل می‌شد.
- مالیات باغ شمار که بر اساس درختان باغ یا درختان تاک بود.
- مالیات سرشمار یا سرانه عمومی، که برگرفته از مالیات قیچور دوره مغولان بود که گاهی در یک سال دو یا سه بار وصول می‌شد.
- مالیات بر مسکن، برای پرداخت هزینه‌های ارتش و هزینه‌های اداری لازم (اخراجات ضروری) از مردم اخذ میشد.
- پیشکش، شامل هدایا به دربار (پیشکش) برای عفو بخاطر اشتباهات سیاسی بود. (لمبتون، آن (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص (۲۶۱).
- سلامانه یا مشتلق مالیاتی بود که مباشر به مناسبت نخستین بازدیدی که از ده می‌کرد از دهقانان می‌گرفت و یا رعایا به دلیل خبر سلامتی پادشاه می‌پرداختند.

- عیدی یا نوروزی که عبارت بود از هدایای ارائه شده به مناسبت جشن‌های مذهبی و جشن سال نو ایرانی.
- اخراجات حق اداری گوناگون برای یک مقام اداری بخصوص افرادی که مسئول جمع‌آوری مالیات بودند .
- تمغا واقع مالیات بر تولیدت شهری، صنعت و تجارت بود (لمبتون، همان، ۲۲۵) علمای اسلام، تمغا را ممنوع اعلام کرده بودند(رویمر و دیگران، همان، ص ۲۲۵).
- زکات از آنجایی که تمغا از نظر علمای اسلام حرام بود زکات جایگزین تمغا شد و بنابراین پیشه‌وران و بازرگانان و دامداران می‌بایست یک دهم از درآمد خود را به‌عنوان مالیات به دولت بپردازند.(رویمر و دیگران، همان، ۲۵۱).
- مالیات الاغ شامل چارپایان برابر رعایا شده و رعایا می‌بایست چارپایان خود را در مواقع لزوم در اختیار حکومت مرکزی قرار می‌دادند .
- بهره‌کشی مستقیم به بردگی گرفتن مردم سرزمین‌های مغلوب و استفاده از آنان برای بیگاری و یا کارهای اجباری مثل تمیز کردن و تعمیر کانال‌های آبیاری، ترمیم کاخ‌ها و بذریاشی باغ‌ها بدون پرداخت هزینه (لمبتون، همان، ۲۰۸) .
- مصادره اموال یکی دیگر از راه‌های کسب درآمد دولت تیموری مصادره اموال مأموران عالی‌رتبه حکومت بخصوص کسانی که در دیوان امور مالی کار می‌کردند و نیاز به اثبات جرم هم نبود و با متهم کردن وی به اختلاس، اموال فرد مورد نظر به نفع خزانه مصادره می‌شد.

^{۳۶} برای اطلاع از وضعیت فرق و نهادهای مذهبی در دوره تیموری ر ک به Subtelny Maria Eva and B.khalidov Anas, "The Curriculum of Islamic Higher Learning in *Journal of* "Timurid Iran in the Light of Sunni Revial under Shah-Rukh No.2 (Apr-Jun 1995), pp. 210-،Vol.115، *the American Oriental Society* 236.

^{۳۷} Subtelny, 1988 : 483

^{۳۸} Subtelny, *ibid* :485

^{۳۹} امیرخانی، غلامرضا(۱۳۸۰)، *تیموریان*، تهران: پژوهشهای فرهنگی، ص ۹۷.

^{۴۰} کسائی، نورالله « هرات از طاهریان تا تیموریان » *مقالات و بررسیها*، دفتر ۶۰-۵۰ زمستان ۱۳۷۵، ص ۹۹-

۹۷.

^{۴۱} بوات، لوسین(۱۳۸۴)، *تیموریان*، مترجم محمود بهفروزی، تهران: نشرآزادمهر، ص ۱۵۶.

۴۲ امیرخانی، همان، ۹۳-۹۵.

۴۳ نخجوانی، حسین (۱۳۴۳)، *موادالتواریخ*، تهران، کتابفروشی ادیبه، ص ۵۵۶.

۴۴ قزوینی، یحیی بن عبدالطیف (۱۳۶۳)، *لب التواریخ*، تصحیح سید جلال طهرانی، تهران: بنیاد گویا، ص ۳۳۶.

۴۵ لیندبرگ، دیوید (۱۳۷۷)، *سرآغازهای علم در غرب*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۸۴-۱۸۵.

۴۶ خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۷۸)، *مکارم الاخلاق*، تصحیح محمداکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب، ص ۵۹۴-۵۹۵.

47 Subtelny, ibid :491

۴۸ مدرسه اخلاصیه از جمله مدارس بزرگ ساخته شده در این دوره بود که در آن اتاق‌های متعددی جهت سکونت طلاب و اساتید وجود داشت. در این مدرسه علوم دینی به ویژه کلام، حدیث، منطق و حکمت، همچنین آموزش مسائل حنفی و شافعی، تدریس می‌شد. علاوه بر این دروس علوم ریاضی و فنون معقول و منقول و فن معما نیز جزء مواد تدریس در مدرسه بود. مولانا کمال‌الدین مسعود شروانی و نیز قاضی نظام‌الدین محمد که به سبب زهد و تقوی و مهارت در امر درس و فتوی سرآمد علمای عصر بود به تدریس در مدرسه اشتغال داشت. مولانا شمس‌الدین محمد بن مولانا شرف‌الدین عثمان که در جمیع علوم معقول و تمامی فنون مقتدای فضایی هرات و دیگر شهرهای خراسان و ماوراءالنهر بود، مورد توجه و عنایت سلطان حسین قرار گرفته و سال‌ها در این مدرسه به تدریس علوم دینی مشغول بود. در کنار این مدرسه خانقاهی به همین نام نیز وجود داشت. (خواندمیر، همان، ص ۳۴۱-۳۴۰)

۴۹ ر.ک به مقدمه نوایی امیرعلیشیر (۱۳۶۳)، *مجالس النفائس*، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری

۵۰ نوایی، امیرعلیشیر، همان، ص ۱۷۸-۱۷۲.

۵۱ دوغلات، میرزا محمد حیدر (۱۳۸۲)، *تاریخ رشیدی*، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران: میراث مکتوب، ص ۸۲.

۵۲ قیمت یک خانه منحصر بفرد در هرات در این زمان ۳۰۰۰ دینار کپکی بود (سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲)، *تذکره الشعراء*، به تصحیح ادوارد براون، تهران: انتشارات اساطیر، ص ۵۰۵).

۵۳ سمرقندی، همان، ص ۵۰۵.

۵۴ نوایی، همان، مقدمه مصحح.

۵۵ عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام (۱۳۶۴)، *آثارالوزراء*، به تصحیح میر جلال‌الدین حسینی، تهران: اطلاعات، ص ۳۶۲.

^{۵۶} نوایی، همان، ۱۳۵.

^{۵۷} خواندمیر، همان، ۱۴۹-۱۴۵.

^{۵۸} جامی تا سال ۸۳۲ در هرات به تحصیل اشتغال داشت و بعد از آن به سمرقند رفت و در آنجا از محضر مولانا فتح‌الله تبریزی استفاده نمود و بعد از آن به برکت ارشاد سعدالدین کاشغری، سالک طریقت نقشبندیه شد (صدیق، عیسی (۱۳۳۶)، **تاریخ فرهنگ ایران، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۷۰**). جامی آثار منثور و منظوم بسیاری خلق نمود که سام میرزا صفوی در کتاب تذکره تحفه سامی حدود ۴۰ اثر از آن را ذکر می‌نماید. (سام میرزا (۱۳۸۹)، **تذکره تحفه سامی، تصحیح وحید دستگردی، به اهتمام احمد یزدی، تهران: نشر سامی، ص ۱۴۶**) او به ادبیات علاقه‌مند بود و استعدادهای جوانی مثل هاتفی شاعر را در خدمت داشت.

^{۵۹} نظامی باخزری، عبدالواسع (۱۳۸۳)، **مقامات جامی، مقدمه و تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: نی، ص ۴۷-۴۵**.

^{۶۰} مایل هروی، نجیب (۱۳۷۷)، **شیخ عبدالرحمن جامی، تهران: طرح نو، ص ۷۵-۷۰**.

^{۶۱} همان، ۸۴.

^{۶۲} سمرقندی، همان، ۵۰۹.

^{۶۳} نوایی، همان، ۵۶ و خواند میر، ج ۴، همان، ۱۵۹.

^{۶۴} سام میرزا، همان، ص ۱۸۲.

^{۶۵} شجاع‌الدین محمد یکی دیگر از اعضای عالی رتبه اشراف نظامی تیمور که یک حامی فعال در این دوره بود، شجاع‌الدین محمد بود که از امیران ارشد قبیله برلاس محسوب می‌شد. جد وی چاکوبرلاس در خدمت تیمور و خودش امیری در خدمت ابوالقاسم بابر و ابوسعید بود.

^{۶۶} منطقه‌ای در بلاد خراسان و واقع در افغانستان امروز.

^{۶۷} اوکین، برنارد (۱۳۸۶)، **معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ص ۳۶۰**.

^{۶۸} همان، ۳۶۱.

^{۶۹} خواندمیر، ۱۳۷۸، ج ۴، : ۱۶۰.

^{۷۰} همان، ۱۴۳.

^{۷۱} اوکین، همان، ۴۳۱-۴۳۹.

- ۷۲ پدرش غیاث الدین پیراحمد وزیر شاهرخ به‌عنوان سازنده مدرسه گیائیه در خرگرد خواف و یک جماعت خانه در مقبره شیخ زین الدین طباطبایی معروف بود. (اسفزاری، همان، ۲۱۸-۲۱۹) مجدالدین نامش به‌عنوان اهدا کننده منبر برای مسجد جامع خواف ذکر شده است. (اوکین، همان، ص ۲۴۴).
- ۷۳ خواندمیر، همان، ۴۰۰-۴۱۷.
- ۷۴ خواندمیر، همان، ۴۱۷.
- ۷۵ همان، ۴۰۷.
- ۷۶ خواجه افضل‌الدین از وزرای برجسته حسین بایقرا و همکار نظام‌الملک بود که از خانواده برجسته از وزرای کرمان محسوب می‌شد (سمرقندی، همان، ۵۱۳).
- ۷۷ همان، ۴۳۸-۴۴۰.
- ۷۸ رویمر، همان، ۷۵.
- ۷۹ سمرقندی، همان، ۵۱۵.
- ۸۰ خواند میر، همان، ۳۲۸-۹.
- ۸۱ سمرقندی، همان، ۵۱۶.
- ۸۲ خواندمیر، همان، ۳۲۶.
- ۸۳ واصفی، زین الدین محمود (۱۳۴۹)، *بدایع الوقایع*، تصحیح الکساندر بلدروف، ج ۱، بی جا: بنیاد فرهنگ، ص ۴-۹۶۳.